یادداشت روز

ایران بر سر متحد خود معامله نمی‌کند

«حل و فصل پرونده‌های پیچیده و امنیتی منطقه» این روزها در کانون توجه افکار عمومی منطقه قرار گرفته است. سفرهای دیپلماتیک پی‌درپی مقامات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به کشورهای منطقه و بعضی از رخدادهایی که پیش از این «غیرعملی» به نظر می‌رسید، به این گزاره که شرایط جدیدی در منطقه پدید آمده و سیاست‌های تک روانه و آشتی‌ناپذیر جای خود را به «سیاست توافق» داده، قوت بخشیده است. در این میان گفته می‌شود ایران، عربستان، روسیه و آمریکا در کانون اصلی حل و فصل پرونده‌های امنیتی منطقه قرار دارند. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- «حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات» یک اصل منطقی است و در فرهنگ ما ایرانیان نیز جایگاه ویژه‌ای دارد، از قدیم گفته‌ایم «گرهی که با دست باز می‌شود نباید با دندان باز شود» در فرهنگ اسلامی نیز حل و فصل خصومت در مواردی که به آزادی عمل بیشتر جامعه مؤمنین و کاهش هزینه‌های آنان منجر شود، توصیه شده است:«صلح حدیبیه» یکی از نمونه‌های آن است. در این میان حل و فصل خصومت معمولا میان قدرت‌هایی مطرح می‌شود که به طور نسبی به موازنه در قدرت درگیری رسیده‌اند که اسلام در این خصوص پا را فراتر گذاشته و حل و فصل خصومت با گروه ضعیف‌تر و در شرایطی که با جنگ می‌توان آن را از سر راه برداشت، نیز توصیه می‌کند. دعوت قبایل یهودی بنی‌قینقاع و بنی‌المصطلق به صلح از سوی پیامبر اعظم(ص) از این موضوع خبر می‌دهند که البته این پیمان صلح با بروز اولین نشانه خیانت از بین می‌رود.

۲- حل و فصل خصومت در جایی که بر اصول لطمه‌ای وارد نمی‌کند به هیچ وجه به معنای اعتماد به طرف مقابل نیست بر همین اساس در اسلام همزمان با تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز خصومت، تقویت بنیه نظامی مورد تاکید قرار گرفته است (واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل/ سوره انفال آیه ۶۰) و در جای دیگر بر عدم اعتماد به دشمن و امضایی که پای ورقه صلح می‌زند، اشاره کرده است (آیه ۵۰ سوره مائده). بر این اساس موضع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در حل و فصل اختلافات مشخص است و در عین حال از پیچیدگی‌هایی نیز برخوردار می‌باشد چرا که پرونده‌ها و طرف‌های مقابل متفاوت هستند و راه‌حل‌ها هم متفاوت می‌باشند.

۳-درباره حل و فصل پرونده‌های منطقه حرف و حدیث‌های زیادی بیان می‌شود. بعضی از رسانه‌های خبری به خصوص در حوزه عربی که بعضی از آنها به جبهه مقاومت هم نزدیک هستند، از تغییر شرایط منطقه پس از پایان مذاکرات ۶ کشور با ایران در وین خبر داده‌اند و بدین‌وسیله خواسته‌اند بگویند رویکردهای جدید مذاکراتی در منطقه، یک تصمیم جامع غربی-منطقه‌ای است که به طور خاص ایران و آمریکا در کانون اصلی آن واقع شده‌اند.

در این روند گفته شده است که روسیه به دلیل به رسمیت شناخته شدن نقش آن در حل و فصل پرونده‌های منطقه؛ راضی است و از این رو حاضر شده امتیازاتی را در پرونده سوریه به غرب بدهد و عربستان اگر چه از روند حل و فصل پرونده‌ها با محوریت ایران و آمریکا ناراضی است اما به جهت اینکه برای برون‌رفت آبرومندانه از بحران یمن به کمک ایران احتیاج دارد، حاضر شده که در پرونده سوریه به نفع اسد امتیاز بدهد. اما این گزاره‌ها به طور دقیق از آنچه در مراودات دیپلماتیک مشاهده می‌شود، خبر نمی‌دهند و در واقع صحیح نیستند.

این گزاره‌ها روی یک پایه اساسی سوار شده‌اند و اشکال اساسی در این گزاره‌ها دقیقا از اینجا ناشی می‌شود. پایه اساسی گزاره‌های مورد اشاره این است «ایران و آمریکا همزمان با توافق در پرونده هسته‌ای، بر حل بحران‌های منطقه از طریق توافق به نتیجه رسیده‌اند و به عبارت بهتر آمریکا درصدد پایان دادن به تنش‌های منطقه‌ای از طریق توافق با ایران است.»

اگر به ادبیات این روزهای آمریکایی‌ها توجه کنیم درمی‌یابیم که آمریکا در مواجهه با مسایل منطقه از «تجهیز نظامی متحدان خود در برابر قدرت نظامی ایران» حرف می‌زند و با صراحت می‌گوید ما یک جبهه منطقه‌ای با محوریت اسرائیل، عربستان و ترکیه و حضور جمعی از کشورهای عربی- اسلامی غرب آسیا و شمال آفریقا علیه ایران راه می‌اندازیم. بنابراین به فرض آنکه این گزاره درست باشد که اوباما تحت شرایط و با اهداف خاصی توافق با ایران در برنامه هسته‌ای را پذیرفته است، این به معنای «پذیرش ایران» نیست کما اینکه همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی تصریح فرموده‌اند، توافق با آمریکا در برنامه هسته‌ای به معنای «پذیرش آمریکا» به عنوان یک طرف قابل اعتماد نیست. به نظر این قلم و با استناد به رفتار و اظهارات آمریکایی‌ها، به دلیل اینکه امکان حفظ ائتلاف جهانی هسته‌ای وجود نداشته است، آمریکا با آخرین استفاده ممکن از این ائتلاف که «برجام» و «قطعنامه۲۲۳۱» بوده، یک ائتلاف ممکن منطقه‌ای با محوریت رژیم صهیونیستی و رژیم سعودی جایگزین آن کرده است و از این رو تحرک ائتلاف حول محور عربستان در پرونده یمن و از جمله همکاری بیشتر نظامی با آن از سوی ارتش آمریکا بیشتر شده و به نتایجی هم رسیده است.

۴-اما از آن طرف خبرهای مرتبط با سفر و مذاکرات علی مملوک که یک مقام عالی‌رتبه امنیتی سوریه است به ریاض واقعیت دارد کما اینکه خبر برگزاری گفت‌وگوهای سه جانبه عربستان، روسیه و سوریه در ریاض و مذاکرات آتی سه جانبه آنان در مسکو واقعیت دارند. سفر آتی جفری فلتمن آمریکایی، معاون بان‌کی‌مون که متخصص مسائل سوریه است به دمشق هم در راه است و در مجموع گفت‌وگو پیرامون سوریه در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یک واقعیت است.

جمهوری اسلامی هم برای این موضوع یک طرح منسجم ارائه کرده و آنچه در گفت‌وگوهای دو جانبه و سه جانبه و چند جانبه می‌گذرد نیز غیرمرتبط با طرح ایران نیست. اما این طرح با یک محوریت اساسی جریان دارد و آن هم «نفی تروریزم» است. واقعیت این است که تروریزم یک مشکل مشترک منطقه‌ای است و از این رو کشورهای منطقه به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ کشورهایی که به شدت با تروریزم و پیامدهای آن درگیر هستند که عمدتا کشورهای عضو جبهه مقاومت را شامل شده و کشورهایی که فعلا درگیر نیستند ولی در معرض تروریزم هستند که همه کشورهای منطقه و به خصوص کشورهای فاقد توانایی‌های مناسب نظامی نظیر عربستان را شامل می‌شود. تجربه چهار سال اخیر به خوبی بیانگر آن است که نه طرح سیاسی بدون یک پیوست قوی نظامی می‌تواند مردم سوریه و... را نجات دهد و نه طرح نظامی بدون یک پیوست قوی سیاسی قادر به حل ماجرا به نفع ملت‌های سوریه و ... است. بر همین اساس می‌توان از این «ظرفیت‌های نگران» در منطقه استفاده کرد. بر این اساس ایران یک طرح سیاسی را به معرض انتخاب در منطقه قرار داده است. روسیه سال‌هاست که در مناطق مسلمان‌نشین خود با بحران امنیتی که ریشه در سیاست‌های ضدروسی عربستان و آمریکا دارد، مواجه است از سوی دیگر عربستان هم طی یکی- دو سال اخیر با بحران امنیتی ناشی از نفوذ گروه‌های تروریستی به مناطق نفتی خود مواجه شده است. و این همزمانی با مداخلات امنیتی عربستان در عراق، سوریه، لبنان و یمن می‌باشد. طی حدود سه ماه گذشته، شاهد کاهش قدرت عملیاتی گروه‌های شبه‌القاعده- داعش و... در سوریه و عراق بوده‌ایم این موضوع تا حد زیادی امکان موفقیت گروه‌های تروریستی وابسته را کاهش داده است و این دو موضوع، خود امکان گشودن یک باب مذاکراتی را در منطقه پدید آورده است. برابر اسناد باید گفت سعودی‌ها بیش از ما از لزوم توافق در پرونده تروریزم حرف زده‌اند به عنوان مثال سفر علی مملوک عضو ارشد امنیتی سوریه به ریاض پس از آن صورت گرفت که یک عضو دولت عربستان به طور غیررسمی به دمشق سفر کرد. با این وصف ورود ایران به روندی که ولو به صورت ضعیف، احتمال گشایش سیاسی علیه گروه‌های تروریستی را بدهد کاملا طبیعی است.

۵- بعضی‌ها گمان کرده‌اند که ایران از پرونده‌ای به نفع پرونده دیگر عقب نشسته است به عنوان مثال در سطح منطقه گفته شده است که ایران ایجاد موازنه نظامی بین انصارالله و عربستان را پذیرفته و تحولات نظامی اخیر در عدن، لحج و تعز ناشی از آن است و متقابلاً عربستان عادی‌سازی روابط ریاض و دمشق را پذیرفته است. اگر چه برای این برداشت صدها مقاله و تحلیل در سطح رسانه‌های عربی و غیرعربی منطقه منتشر شده و از جمله روزنامه الاخبار لبنان که به جبهه مقاومت نزدیک است نیز دیروز مقاله‌ای را با همین مضمون به چاپ رسانده ولی این برداشت به طور کلی عاری از واقعیت است. البته این واقعیت دارد که همزمان با کسب آمادگی بیشتر و وارد کردن حدود دو هزار نیروی جدید به جنگ علیه مردم مظلوم یمن از سوی عربستان، ریاض فردی را به طور محرمانه به دمشق اعزام کرده است و درست همزمان با سفر مملوک به ریاض، عملیات سنگین بمباران عدن که به تصرف آن - پس از دو هفته جنگ- منجر شد، آغاز گردید. اما این تحولات تا آنجا که به حمله سعودی به یمن و نتایج آن باز می‌گردد، ارتباطی به موافقت ایران برای باز شدن باب گفت‌وگو میان دولت اسد و دولت سعودی ندارد و به طور اصولی، ایران به اندازه سرسوزنی حاضر به معامله با دولت متجاوز سعودی برسر خون مردم مستقلی که در این دنیا تنها به ایران اعتماد دارند، نیست.

۶- روند مذاکراتی در منطقه برخلاف آنچه برخی رسانه‌ها نوشته و آن را «شکل‌گیری قواعد جدیدی در منطقه» خوانده‌اند، می‌تواند تحولات محدودی را در حوزه‌های درگیری پدید آورد، اما نمی‌تواند ماهیت نظام‌های منطقه را دگرگون کند و حس خصومت میان کشوری وابسته به آمریکا با کشوری که آمریکا را کماکان شیطان بزرگ می‌داند و بر بی‌اعتمادی به آن تاکید می‌کند را از میان نمی‌برد. نباید در این مسئله تردید کرد که ایران و عربستان در دو سوی جبهه‌ای قرار دارند که هر یکی غلبه بر دیگری را در نقطه مرکزی دستور کار خود قرار داده‌اند. البته عربستان با آنکه در دو عنصر «دلار» و «برخورداری از حمایت غرب» دست بالاتر دارد اما در عین حال تاکنون نتوانسته یک جبهه منطقه‌ای را به نفع خود به وجود آورد چرا که عربستان خود در زنجیره‌ای قرار دارد که کشورهای عرب و مسلمان عضو آن نیز خود را متعهد به حضور در آن می‌دانند و این در حالی است که ایران در منطقه، جبهه‌ای دارد که اعضای آن به جبهه دیگری وابسته نیستند.

سعدالله زارعی

مایکل لدین نظر ۶ سال پیش کیهان را تایید کرد

سران فتنه ستون پنجم آمریکا بودند

سرویس سیاسی-

در حالی که کیهان پیش از فتنه ۸۸ آن را پیش‌بینی کرده و فتنه گران را عوامل آمریکا و رژیم صهیونیستی خوانده بود، به تازگی سندی فاش شده که حکایت از ارتباط و همکاری پنهان سران فتنه و دولت واشنگتن دارد.

برخی از مدعیان اصلاحات و حامیان فتنه در حالی ارتباط خویش با محافل بیگانه و پیروی از دستورالعمل دشمنان بیرونی را انکار می‌کنند که طی چند سال اخیر تقریباً هیچ یک از اقدامات و مواضع آنها را نمی‌توان یافت که دقیقاً برگرفته از دستورالعمل‌های پیشاپیش اعلام شده و پیشنهاد شده رسانه‌ها و مقامات آمریکایی نباشد.

«مایکل لدین» از حامیان کودتای مخملی و مشاور سابق شورای امنیت ملی آمریکا و عضو برجسته مؤسسه «آمریکن اینترپرایز» و دستیار ویژه «دونالد رامسفلد» وزیر دفاع اسبق آمریکا و «دیک چنی» معاون جرج بوش در یادداشتی در نشریه «فوربس» نوشت: سناتور «چاک شامر» نقش مستقیمی در نامه نگاری محرمانه بین دولت اوباما و سران آشوب علیه دولت ایران در سال ۱۳۸۸ و در پی انتخابات ریاست جمهوری داشته است.

لدین افزود: دولت (آمریکا) تصمیم گرفت پیامی برای گروه (میر حسین) موسوی و جنبش سبز بفرستد. سناتور شامر دوستی در وال استریت داشت که با سبزها در ارتباط بود و همان فرد به عنوان رابط انتخاب شد.

وی در ادامه نوشت: از شامر خواسته شد از طرف دولت این پیام را به رهبران سبزها منتقل کند: «سبزها باید بدانند که این سوالات از جانب وزیر خارجه (آمریکا) ارسال شده است. سوالات این‌هاست: ما باید چه کاری انجام دهیم؟ چه کاری نباید انجام دهیم؟» پاسخ این پیام در یک یادداشت ۸صفحه‌ای در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹ (۹ آذر ۸۸) دریافت شد. نویسندگان محتاط بوده‌اند، و متن امضا نشده و من دلایل روشنی دارم که چند نفر در تهران روی آن کار کرده‌اند.

در این نامه تصویری از ایران با عبارت‌های بسیار خشنی آمده است که این کشور تحت «حکومت استبدادی»، «رژیمی خشن» و «دیکتاتوری» است که با سرکوب مردم و چپاول منابع عمومی ادامه حیات می‌دهد. همچنین در این نامه تأکید شده است: حکومت قابل اصلاح نیست اما نیروهای حامی تغییر در داخل قوی هستند و به‌خوبی هدایت می‌شوند!

لدین در مطلب خود می‌نویسد: سبزها به دولت اوباما دقیقاً گزینه‌های واقعی را گفتند؛ یا از رژیم حمایت کنید یا از آزادی حمایت کنید و تغییر دموکراتیک در ایران را تشویق و حمایت کنید. نویسندگان آن نامه به واشنگتن هشدار داده‌اند که اگر با تهران به توافق هسته‌ای دست یابد، باید در برابر رویکردهای خارجی و داخلی تهران سکوت کند. (موضوعی که نشان می‌دهد فتنه‌گران دلواپس بوده‌اند که با توافق هسته ای، حمایت واشنگتن از آنها کاهش یابد.)

در بخش‌هایی از این نامه که در ۹ آذر فرستاده شده، به طرف آمریکایی اطلاع داده می‌شود که تظاهرات بزرگ بعدی برای ۱۶ آذر روز دانشجو برنامه‌ریزی شده است. نویسندگان نامه همچنین ایران را به حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به بمب اتمی و استیلا بر خاورمیانه متهم می‌کنند.

گفتنی است دقیقاً پس از فتنه ۸۸ بود که آمریکایی‌ها در عرصه تقابل اقتصادی شدیدترین تحریم‌ها را علیه مردم ایران وضع کردند. تصویب قطعنامه تحریمی ۱۹۲۹ در شورای امنیت که خود پایه گذار تحریم‌های بعدی شد، حاصل این پروژه بود.

پیاده‌نظام کودتای مخملی

اظهارات مایکل لدین درخصوص ارتباط فتنه گران با آمریکا مسبوق به سابقه است. برای مثال در بحبوحه فتنه ۸۸ ،مایکل لدین در مصاحبه با رادیو فردا گفت: اگر از شما بپرسند این جنبش - فتنه سبز- به‌چه زمانی برمی‌گردد؟ احتمالا خواهید گفت به یک سال پیش. اما من می‌گویم ما از اواسط دهه ۱۹۸۰- دهه ۶۰ - با کسانی از دفتر نخست‌وزیری ایران در ارتباط و تماس بودیم و موضوع مذاکره و رابطه را پیگیری می‌کردیم.

علاوه بر این، در ۲۱خرداد ۸۸ مایکل لدین در مصاحبه با نیویورک تایمز گفت: فردا در ایران انتخابات نخواهد بود بلکه یک انقلاب رنگی کلید می‌خورد.

در جریان فتنه ۸۸ مایکل لدین پیشنهاد رفراندوم را مطرح کرد و چند روز بعد یکی از سران فتنه این پیشنهاد را به عنوان نظر خود پیش کشید که این دنباله روی از بیگانگان با روشنگری مستند کیهان روبرو شد. کیهان طی یادداشتی با عنوان «پیشنهاد خاتمی یا دستورالعمل مایکل لدین؟!» نوشت؛ تازه ترین اقدام این جریان سیاسی، درخواست رفراندوم برای مقبولیت دولت- بخوانید نظام - است که طی بیانیه ای از سوی سیدمحمد خاتمی مطرح شد و بلافاصله با استقبال گسترده مقامات و رسانه های آمریکایی، اروپایی و اسرائیلی روبرو شد. قبل از پرداختن به موضوع یادشده، در این خبر دقت کنید؛ چندی قبل، مایکل لدین عضو برجسته مؤسسه «آمریکن اینترپرایز» و دستیار ویژه «دونالد رامسفلد» وزیر دفاع اسبق آمریکا و «دیک چنی» معاون جرج بوش، از «رفراندوم درباره مشروعیت جمهوری اسلامی ایران» با عنوان یکی از راه‌کارهای مؤثر برای مقابله با اقتدار ایران اسلامی یاد کرده بود. لدین در پیشنهاد خود اشاره می کند که آنچه مهم است، «انجام رفراندوم» نیست زیرا رفراندوم در قوانین ایران گردش کار شناخته شده ای دارد و حتی در صورت انجام، نتیجه آن نیز مورد نظر نیست، چرا که مردم ایران به نظام حکومتی خود وفادارند. مایکل لدین معتقد است؛ پیشنهاد رفراندوم از یکسو و حمایت رسانه ای غرب از سوی دیگر می‌تواند مخالفان جمهوری اسلامی ایران را امیدوار کرده و در صحنه نگاه دارد!

بزرگ‌ترین سرمایه‌های اسرائیل در ایران

مایکل لدین همچنین طی اظهار نظری که در مجله آمریکایی «فرانت پیج مگزین» به چاپ رسید، گفت: «اسرائیل هنوز گنجایش حمایت از نیروهای اپوزیسیون ایرانی را دارد و قادر است برای سرنگونی نظام ایران از آنها حمایت کند».

لدین در سخنان خود مدعی شد که اسرائیل باید هجمه تبلیغاتی در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان را در سطح جهانی علیه ایران برپا کند و در این راه بهتر است که برای سرکردگان مخالف نظام ایران ابزارهای ارتباطی در دور زدن دیواره‌های آتش موجود در فضای مجازی فراهم آورده شود.

نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی در ادامه گفت که به دلیل موارد قبلی حمایت اسرائیل و آمریکا از اپوزیسیون انجام دوباره آن ضربه‌ای به موقعیت مخالفان جمهوری اسلامی وارد نمی‌کند و حتی باعث تحکیم موقعیت آنها می‌شود! وی پیش از این نیز سران فتنه را چهره‌هایی مهلک برای نظام جمهوری اسلامی خوانده بود که باید بیشتر از آنها حمایت شود تا بتوانند انقلاب اسلامی را سرنگون کنند!

البته چنین اظهارنظرهایی درباره ارتباط فتنه‌گران و طراحان خارجی فتنه - مثلث آمریکا، اسرائیل و انگلیس- مورد جدیدی نیست. در ایام فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸ نتانیاهو از فتنه‌گران با عنوان «بزرگ‌ترین سرمایه اسرائیل در ایران»! یاد کرد و سران فتنه که کمترین انتقاد داخلی را بی‌پاسخ نمی‌گذارند تا کنون در مقابل اظهار نظر صریح نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هیچ موضعی نگرفته‌اند.

اسناد فراوان و غیرقابل انکاری از پادویی سران و عوامل فتنه برای مثلث آمریکا، انگلیس و اسرائیل حکایت می‌کند که فتنه گران از ترس رسوایی بیشتر جرات نفی هیچ یک از آنها را ندارند. فتنه‌گران که با شعار احیای خط امام وارد رقابت انتخاباتی شده بودند، در جریان آشوب‌های خیابانی به سردادن شعار به نفع اسرائیل در روز قدس، سردادن شعار به نفع آمریکا در روز مبارزه با استکبار جهانی، پاره کردن تصویر مبارک حضرت امام(ره)، ادعای تقلب در انتخابات، خط زدن روی قید اسلام از جمهوری اسلامی ایران، آتش زدن مسجد و اهانت به ساحت مقدس حضرت اباعبدالله(ع) اقدام کردند.

رابط فتنه‌گران و واشنگتن چه کسی بود؟

مایکل لدین در افشاگری خود در فوربس عنوان می‌کند سناتور چاک شامر از طریق دوستی در وال استریت ژورنال با فتنه‌گران ایران رابطه داشته و نامه رد و بدل کرده است. اگرچه لدین اشاره‌ای به نام این رابط نمی‌کند اما اندکی دقت نشان می‌دهد به احتمال بسیار قوی این رابط کسی نیست جز همان خبرنگاری که در سال ۸۸ از سوی وال استریت ژورنال مامور سفر به تهران و پوشش اخبار انتخابات ریاست جمهوری ایران می‌شود. این خبرنگار که فرناز فصیحی نام دارد دو ماه پیش از انتخابات وارد ایران شده و دست به کار می‌شود و پس از انتخابات نیز گزارش‌های متعدد و مغرضانه‌ای از آشوب‌های خیابانی فتنه‌گران تهیه و منتشر می‌کند. وی در حالی پس از انتخابات ایران را ترک می‌کند که پس از آن به دلیل دو تابعیتی بودن امکان سفر در پوشش عادی را داشته است. فصیحی به دلیل گزارش‌های خود از فتنه ۸۸ شش جایزه دریافت کرده است. وی در سال ۲۰۱۱ در گزارشی در وال استریت ژورنال از عبارتی مجعول برای خلیج فارس استفاده می‌کند که با واکنش منفی ایرانیان مواجه می‌شود. فصیحی که از پدر و مادری ایرانی در آمریکا متولد و بزرگ شده، هم اکنون جانشین دبیر بخش خاورمیانه در وال استریت ژورنال بوده و در بیروت مستقر است.

خبر ویژه

پاکسازی رد پای وزارت علوم در ظلم به ۳ هزار دانشجوی بورسیه

وزیر علوم ضمن توجیه ظلم برخی مسئولان این وزارت به ۳ هزار دانشجوی بورسیه گفت: اعلام اسامی این افراد توسط صدیقی صحت ندارد.

فرهادی در جمع خبرنگاران گفت: این که گفته می‌شود اسامی منتشر شده بورسیه توسط آقای صدیقی رئیس سازمان امور دانشجویان انجام شده صحت ندارد.

صدیقی نیز در جمع خبرنگاران گفت: با افرادی که اسامی دانشجویان بورسیه را منتشر کردند برخورد شد و قرار نبود هیچ اسمی از آن ۳ هزار نفر منتشر شود.

این در حالی است که علی غزالی از روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب و از عوامل انتشار اسامی دروغین مذکور، بعدها در سایت انتخاب خطاب به صدیقی نوشت: «بعد از مشاهده سخنان شما انگشت به حیرت مانده‌ایم که آخر این ادعای شما چه معنایی دارد... مگر می‌شود، عقل سلیمی قبول کند که این اطلاعات را سیستم قبلی به ما داده است! برای چه؟! برای افشاگری علیه خودش؟!»

در ادامه وی راز چگونگی دسترسی خود به اطلاعات محرمانه وزارتخانه را اینگونه افشاگری می‌کند: «جناب آقای صدیقی شما خوب به خاطر دارید که در زمانی که آقای توفیقی سرپرست وزارت علوم بودند و هنوز آقای فرجی‌دانا برای وزارت معرفی نشده بودند در آن اتاق گوشه‌ای طبقه ۱۳ شهرک‌غرب چه کسی این اسامی را به بنده داد و در این مدت چه کسی برای انتشارش مدام تماس می‌گرفت و پیغام می‌داد و اکنون هم فکر می‌کنید که ما ابزار شده‌ایم و شما ضربه خود را به جریانی زده‌اید و اکنون در پی زد و بند با همان جریان هستید.»

وی همچنین در مصاحبه با تسنیم گفته است: «جلسه‌ای بود با حضور آقای صدیقی و دو تن دیگر از مشاورین وقت آقای توفیقی درباره فعالیت رسانه‌ای که این لیست را دادند و آن موقع درخواست داشتند که منتشر شود و درخواست دیگر اینها مشخص شدن ارتباط این افرادبا مسئولین بود... بعد از آن چندین بار با آقای صدیقی و معاونان و اطرافیان وی درباره این لیست جلسه داشتیم و تاکید به انتشار لیست داشتند و حتی بعد از انتشار لیست اولیه، اطرافیان ایشان پیگیر لیست دوم بودند که ایشان با مصاحبه و نیت خود برای جاخالی دادن و بعد جوابیه من، همه برنامه‌های جریان اینها به هم خورد.»

چرا برخلاف موازین حقوق بین‌الملل توافق «برجام» نسخه فارسی ندارد؟

چرا متن فارسی توافق وین «برجام» با متن انگلیسی (اصلی) این قرارداد تعهدآور بین‌المللی از ارزش حقوقی یکسانی برخوردار نیست که هیچ- بلکه در واقع مسئله‌ای به این روشنی که در حقوق بین‌الملل عرفی رایج است، در این توافق اصلاً لحاظ نشده است!

جهان نیوز در این زمینه نوشت در قراردادها و معاهدات بین‌المللی به دلیل متفاوت بودن زبان بومی طرفین مذاکره، ممکن است کشورها تفسیرها و برداشت‌های حقوقی متفاوتی را در مرحله اجرا نسبت به بندهای توافق شده داشته باشند. گاهی یک کلمه یا حتی یک علامت نگارشی می‌تواند منشأ چالش‌های جدی در روابط طرفین توافق شود. برای جلوگیری از بروز این چالش‌ها و اختلافات احتمالی، لازم است متن قرارداد و معاهده به زبان اصلی هر کشور نوشته شود و قید گردد که تمامی این نسخه‌ها اعتباری یکسان دارند. این مسئله امری عادی در تنظیم متون قراردادها و معاهدات بین‌المللی است. برای مثال در ماده یازدهم معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با پیروی از این قاعده تصریح شده است: «این پیمان، متن انگلیسی، روسی، فرانسه، اسپانیولی و چینی آن که همگی از اعتبار یکسانی برخوردارند، در آرشیو دولت‌های امانت‌دار محفوظ خواهند بود. نسخه‌های تأیید شده این پیمان، باید توسط دولت‌های امانت‌دار به دولت‌های امضا کننده و ملحق شده به آن ارسال شود.»

حال یکی از سؤالاتی که از مذاکره کنندگان محترم کشورمان در قضیه هسته‌ای باید پرسید این است که چرا متن فارسی توافق وین «برجام» با متن انگلیسی (اصلی) این قرارداد تعهدآور بین‌المللی از ارزش حقوقی یکسانی برخوردار نیست که هیچ - بلکه در واقع مسئله‌ای به این روشنی که در حقوق بین‌الملل عرفی رایج است، در این توافق اصلاً لحاظ نشده است! آیا بسنده کردن به ترجمه فارسی متن انگلیسی برجام می‌تواند ابزار مناسبی برای چانه‌زنی ما در هنگام بروز اختلافات احتمالی در این توافق باشد؟

هنوز جوهر توافق خشک نشده و کار به مرحله اجرا نرسیده بود که طرف غربی با دبه کردن، تفسیرهای دلخواهش را برای بهره‌برداری حداکثری از خواسته‌های نامشروع خود کلید زد و وزارت خارجه ما نیز به جای ارائه تفسیری صحیح از عبارتهای ابهام‌آمیز و پرتعداد در متن انگلیسی برجام، متن ترجمه شده غیر رسمی‌ای را به مجلس تحویل داد که سه بار توسط مجلس به دلیل ترجمه غلط به وزارت خارجه عودت داده شد! وزارت خارجه نه تنها در این زمینه ابهام‌زدایی نکرده، بلکه با ترجمه‌های غلط خود که بعد از مدت کوتاهی آن را نیز از روی سایت وزارت خارجه حذف کرد عملاً فضای غبارآلود و ابهام‌آمیز را برای منتقدان بیشتر نمود.

برای روشن‌تر شدن موضوع این مثال را می‌زنیم. در متن اصلی و ضمائم برجام، کلمه «lifting» دقیقاً ۲۳ بار تکرار شده است. این کلمه در زبان انگلیسی هم به معنای «لغو» به کار می‌رود و هم به معنای «تعلیق». نزدیک‌ترین معادل برای کلمه «lifting» در زبان فارسی کلمه «برداشتن» است. حال «برداشتن» می‌تواند به هر دو معنای «لغو» و «تعلیق» استفاده شود.

توضیح این که تفاوت لغو و تعلیق در حقوق بین‌الملل در این است که اگر یک موضوعی «لغو» شود، به این معناست که ساختار حقوقی و قانونی آن نیز فرو می‌پاشد. مثلاً در صورت «لغو» تحریم‌ها دیگر ضمانت قانونی ندارند. لذا برای اعمال تحریم‌ها مجدداً نیاز است دوباره برای آن قانون تصویب شود که این فرآیند برای طرف غربی دشوارتر از «تعلیق» است. اما هنگامی مراد از «lifting» عبارت «تعلیق» باشد، به این معناست که ساختار حقوقی و قانونی تحریم‌ها دست نخورده باقی می‌ماند و فقط «اجرای» آن متوقف می‌شود. در این پروسه طرف غربی با بهانه‌تراشی در کمترین زمان ممکن می‌تواند تحریم‌ها را دوباره به مرحله «اجرا» درآورد و مشروعیت قانونی و رژیم حقوقی تحریم‌ها را حفظ کرده است.

اثرمعکوس توافق در مذاکرات بر رکود اقتصادی و بورس

گسترش رکود اقتصادی با وجود توافق هسته‌ای تعجب تحلیل‌گران مطبوعاتی را برانگیخته است.

روزنامه دنیای اقتصاد از روزنامه‌های حامی دولت دراین زمینه نوشت: وزارت صنعت نسبت به تعمیق رکود در بخش تولید هشدار داد. آمارهای جدید تولید در بهار سال جاری، نشان می‌دهد که اغلب محصولات منتخب با رشد منفی یا با رشد مثبت بسیار کم، روبه‌رو بوده‌اند. وضعیت تولید در بهار ۹۴ از خطر عمیق شدن رکود حکایت دارد. به طوری که براساس آمار منتشر شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت اغلب محصولات منتخب با رشد منفی یا با رشد مثبت بسیار کم نسبت به مدت مشابه سال گذشته روبه‌رو بوده‌اند. متولیان حوزه صنعت این وضعیت را نگران‌کننده توصیف کرده و معتقدند با کاهش تدریجی تولید، مطمئنا دوباره صنعت کشور با رشد منفی روبه‌رو خواهد شد. عدم اجرای درست سیاست‌های تعریف شده در بخش تقاضا عمده دلیلی است که منجر به کاهش تولید محصولات منتخب صنعتی، معدنی و شیمیایی و پلیمری شده است.

این روزنامه خاطرنشان کرد: انتظار تولیدکنندگان برای لغو تحریم‌های بین‌المللی را می‌توان یکی از دلایل شدت گرفتن رکود تولید در مدت زمان مورد بررسی دانست. به گفته برخی فعالان صنعتی در حال حاضر تولیدکنندگان صنعتی منتظر مشخص شدن وضعیت قیمت مواد اولیه در صورت لغو تحریم‌ها هستند و به این دلیل تولید خود را متوقف کرده‌اند. که مبادا با تولید محصول گران‌قیمت، موفق به عرضه آن در بازار نشوند. از سوی دیگر مشکل نقل و انتقال پول بین شرکت‌های ایرانی و خارجی هنوز برطرف نشده است. موارد مذکور موجب شده تا از میان ۳۰ محصول منتخب صنعتی در سه ماه منتهی به خرداد، ۱۵ محصول افت تولید را در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته تجربه کنند، این در حالی است که تولید این محصولات در خردادماه نسبت به اردیبهشت سال جاری افت بیشتری را تجربه کرده‌اند، براساس آمار اعلام شده در خردادماه ۱۷ محصول با افت تولید مواجه بوده‌اند.

از سوی دیگر روزنامه جوان با اشاره به دو سالگی دولت خاطر نشان کرد: رکود در بازارها تعمیق شده است و این در حالی است که مذاکرات هم به نتیجه نسبی رسیده است. در این بین افت شاخص کل بازار سهام به عنوان دماسنج اقتصاد، در کنار افت شدید تولید مسکن موجی از نگرانی‌ها را بین اقتصاددانان مستقل به وجود آورده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۹۳ دولت با وجودی که بسیار فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه تسهیلات در اختیار بخش‌های مختلف اقتصادی قرار داد، اما اقتصاد نه تنها تکانی نخورد بلکه بیشتر در باتلاق رکود فرو رفت که این اصلا نشانه خوبی نیست...

در رابطه با افت ارزش بازار نیز که نشانه‌ای از رکود در اقتصاد و افت دسته‌جمعی قیمت سهام می‌باشد، باید عنوان داشت ارزش بازار در طول فعالیت دولت یازدهم بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان از بهای خود را از دست داده است که این رویداد هم به بیش از ۷ میلیون سهامدار بورس زیان وارد کرده و هم اینکه ۴۴ میلیون نفر مشمول سهام عدالت را متحمل زیان کرده است چرا که سهام عدالت نیز در بورس حضور دارد و افت ارزش بازار گریبان این دارایی‌ها را هم گرفته است.

گفت و شنود

گاز

گفت: هفته‌نامه «صدا» متعلق به حزب کارگزاران در یکی از مطالب شماره اخیر خود تیتر زده است؛ «توافق هسته‌ای با کشف نفت قابل مقایسه است»!

گفتم: ولی بعد از کشف نفت، مسئولان غرب‌گرای آن روز برای این که انگلیس بتواند بدون اعتراض مردم این ثروت ملی را غارت کند؛ به ملت می‌گفتند «این ماده بدبو و کثیف به چه درد می‌خورد؟! بهتر است بدهیم به انگلیس و از شر آن راحت شویم»! چرا با ملی شدن صنعت نفت مقایسه نکرده است؟!

گفت: چه عرض کنم؟! شاید منظور ارگان حزب کارگزاران این است که تاسیسات هسته‌ای به درد نمی‌خورد و اگر توافق وین باعث از بین‌رفتن آن بشود، نباید نگران بود و بهتر است این صنعت را بدهیم برود!

گفتم: حالا که اروپا به خاطر تحریم گازی روسیه با مشکل روبرو شده بعید نیست برخی از غرب‌گراها برای فروش گاز ارزان به اروپا، اعلام کنند، ما مردم که این همه با هم مهربون هستیم و می‌تونیم همدیگه رو ببوسیم، دیگه چه نیازی به «گاز» داریم؟!

نکته

مگر چه عیبی دارد ؟!

آقای دکتر عراقچی معاون محترم وزارت امور خارجه که در برنامه دوشنبه شب گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما شرکت کرده بود، در پاسخ به این پرسش که «آیا قرار است برجام به صورت لایحه به مجلس ارائه شود یا نه؟» اظهاراتی داشت که درباره آن گفتنی‌هایی هست.

**الف: ایشان با تاکید بر این که «برجام» از سوی دو طرف به صورت داوطلبانه اجرا می‌شود آن را مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی ندانسته و گفت: «طبق اصل ۷۷ قانون اساسی تمامی معاهدات، موافقت‌نامه